

تردیدی نیست که ما نباید همه کانالهای ارتباطی خود را به سه کشور محدود کنیم اگر چه آنها تاثیر بیشتری دارند اما اتحادیه اروپا به خصوص در حوزه اقتصادی محصور به اینها نیست



در آینده باید بپذیریم که سناریوهایی محتمل و مطلوب، در جهت شکل دهی به قدرت اقتصادی و سیاسی خود داشته باشیم و اتاقهای فکر به آن بیندیشند. آنچه که سیگنالهای قوی نشان می‌دهند این است که رسیدن به یک توافق هسته‌ای برای غرب الزام آور و برای ایران ضروری است و اگر بازیگران این عرصه عقلایی عمل کنند، به سرعت غیرقابل انتظاری پرونده هسته‌ای به یک نتیجه نهایی می‌رسد که پیامد آن گشایش حرکت برای ایران در حوزه اقتصادی خواهد بود.

به نظام بین‌الملل نشان دهیم که بسیار صادقانه، در چارچوب دکترین تعامل سازنده وارد داد و ستد در جامعه جهانی شده ایم، پیامد آن افزایش قدرت منطقه‌ای و پویاتر شدن قدرت بین‌المللی ما خواهد بود که این اعتماد سازی، اعتبار اقتصادی ایران را هم بالاتر خواهد برد و فضای رقابت بر سر ایران را در بین بازیگران نظام بین‌المللی در جغرافیای متفاوت افزایش می‌دهد. لذا اینکه روحانی در دولت یازدهم به دنبال حل و فصل پرونده هسته‌ای است از همین جا ناشی می‌شود.

بزرگ ندارند. لذا سطح روابط ما با ایتالیا که پس از سه کشور، جزو کشورهای مهم به شمار می‌رود همواره در سایه روابط با آنها قرار داشته و ایتالیا هم نفوذ در بازار ایران را باید با وجود هزینه‌های چنین اقدامی محاسبه کند. از یک سو مسئله توانایی‌های ما در ارتباط با کشورهای اروپایی وجود دارد و از طرف دیگر تمایل این کشورها برای دادن هزینه بابت این روابط است. که من معتقدم آنها نه می‌خواهند و نه می‌توانند چنین هزینه‌ای را پرداخت کنند. نکته دوم نوع نگرشی است که اکنون در دوران گذار در جهان وجود دارد که منطقی بحران را و بحران زی است. لذا در چنین فضایی که از منطق نظام دو قطبی به سمت نظام نامعلوم می‌رویم، آیا کشورهای اروپایی که دولتمردان آن در چارچوب‌های عقلایی تصمیم می‌گیرند حاضرند در این دوران گذار هزینه‌های ارتباط با ایران را بپردازند؟ من معتقدم آنها بسیار محافظه کارانه و دست به عصا حرکت خواهند کرد. نکته دیگر اینکه آیا نظام بین‌الملل که به رهبری آمریکا در قالب ۵+۱ در تحلیل نهایی با تصمیم ۵+۱ همراه بوده اند و نمونه اش قطعه‌نامه‌های شورای امنیت و موشک‌های اس ۳۰۰ است چطور حاضر به مخالفت با این قالب می‌شوند؟ ما در این قالب باید واقعیت‌ها را بپذیریم و واقعیت این است که فعلا در بافت موقعیتی کنونی به اروپا و آمریکا به صورت مجزائگی نکنیم و حتی به شرق و غرب نیز چنین نگاهی نداشته باشیم چون بافت چالش زای انقلاب اسلامی در برابر نظام سلطه بین‌المللی، ما را به سمت فضایی می‌برد که مجبور شویم یا یک نه بزرگ بگویم یا یک آری بزرگ که شواهد نشان از یک آری بزرگ دارد.

برخی معتقدند اروپایی‌ها در ایران به دنبال بازار کار هستند متاثر از بحران یورو که شاخص واگرایی اروپایی است. آیا بر سر ایران به عنوان یک بازار بزرگ، رقابتی بین اروپایی‌ها ایجاد شده است؟

زمانی که این بحران هسته‌ای حل شود و